

## سرمایه‌های اجتماعی، جنگ هشت ساله و تثبیت نظام

مجید مختاری

تقویت پایه‌های نظام سیاسی را به دنبال دارد. در این نظریه، درخشان‌ترین و افتخارآمیزترین واکنش حکومت نسبت به مشکلات و معضلات مردم، که استقلال و آزادی آنها را با خطر و تهدید روبه‌رو کرده است، قوی‌ترین سرمایه اجتماعی نظام سیاسی محسوب می‌شود. اگر اعتماد مردم به توانایی حکومت در مقابله با تجاوز خارجی که در صحنه‌ای عملی به دست آمده باشد، تأمین شود، پشتوانه مؤثری در تثبیت آن نظام خواهد بود.

در این زمینه، دوام‌برداران جمهوری اسلامی ایران سرمایه اجتماعی قدرتمندی در اختیار دارند که با بهره‌گیری بهینه از آن می‌توانند با اطمینان نسبت به آینده، برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را پیش ببرند و پایه‌های اقتدار نظام را تحکیم و تثبیت کنند. بنابراین، تکیه بر سرمایه اجتماعی یکی از راه‌های برون‌رفت از تنگناهای داخلی و خارجی است که نظام‌های سیاسی را از داخل و خارج با تهدید براندازی روبه‌رو می‌کنند.

اکنون که نزدیک به سه دهه از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد، راه‌های متفاوتی برای تثبیت نظام، پیشهاد و اجرا شده است که برخی از آنها هنوز مجال آزمون نیافته‌اند. در دهه نخست استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، به دلیل بروز بحران‌های داخلی و تحقق تهدیدهای خارجی که در قالب تهاجم نظامی عراق به ایران شکل گرفت، موضوع تثبیت نظام به شکل مستقیم، به‌ویژه فراموشی سپرده شد و مردم ایران با مشارکت گسترده در دفع تجاوز خارجی و رفع مشکلات داخلی به شکل غیرمستقیم، پایه‌های نظام را تثبیت کردند مسئله‌ای که در این دوران، به یکی از سرمایه‌های اجتماعی کشور تبدیل شد. در این زمینه، افکار و آرای امام خمینی (ره) مبنی بر مشارکت فعال مردم در تمامی صحنه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی بسیار راه‌گشا بود و همین رویکرد نیز افزون بر تثبیت نظام در دهه نخست، مانع از دست‌یابی طر حان براندازی نظام سیاسی ایران، به اهدافشان شد. تکیه

نظریه پردازان علوم سیاسی و اجتماعی برای تقویت و تداوم نظام‌های سیاسی راه‌حلهای متفاوتی را ارائه می‌دهند که اتخاذ آنها با توجه به نوع نظام‌ها، شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، تحولات تاریخی، بافت فرهنگی و اجتماعی و... می‌تواند به تثبیت و تحکیم پایه‌های حاکمیت بینجامد. در مقابل، اگر اتخاذ این راه‌حل‌ها بدون توجه به شرایط مزبور انجام شود، می‌تواند آثار مخربی به دنبال داشته باشد و تداوم حکومت‌ها را با دشواریهای جدی روبه‌رو کند. برای نمونه، در رژیم پهلوی، که نوع نظام سیاسی مستقر، از نوع رژیم‌های استبدادی بود، اتخاذ راه‌حل فضای باز سیاسی، که از سوی دموکرات‌های آمریکا بر دولتمردان آن زمان ایران دیکته شده بود، این رژیم را با خطر سقوط روبه‌رو کرد و سیستم سیاسی به دلیل ناکارآمدی، نتوانست در رویدادی با اوج انقلاب اسلامی مقاومت کند و در نتیجه، فروپاشید؛ بنابراین، راه‌حلهای نظریه‌پردازان باید با توجه به شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی جغرافیایی و نیز با در نظر گرفتن نوع نظام سیاسی به کار برده شود. در اینجا، به دلیل آنکه راه‌های حفظ و تثبیت نظام‌های سیاسی که نظریه‌پردازان، آنها را در قالب‌های متفاوت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی ارائه کرده‌اند، بسیار گسترده و متنوع است، مجال معرفی آنها نیست؛ بنابراین، تنها به یکی از جدیدترین آنها اشاره می‌شود. جدیدترین نظریه اجتماعی و سیاسی ارائه شده در زمینه حفظ و تداوم نظام‌های سیاسی بر مفهوم بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی تأکید دارد. در این نظریه که عنوان آن، سرمایه اجتماعی است، بر عناصر و متغیرهایی همچون اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به حاکمیت و حکامان، مشارکت مردم در اداره حکومت، احترام دولتمردان به سمبل‌های اجتماعی مردم، اطمینان مردم نسبت به کارآمدی دولتمردان و... تکیه می‌شود که تقویت آنها در کنار عملکرد طبیعی ساختارهای اطمینان بخش نظام سیاسی، همچون قانون اساسی، نهادهای حکمرانی و مدنی، تثبیت و

امام به اسلام و راه‌حلهای حکومتی آن که در رازة مقدس عدالت تجلی یافته بود، اعتماد مردم به دولت، افزایش مشارکت آنان در اداره حکومت، کارآمدی دولتمردان در اداره کشور، ایجاد اعتماد اجتماعی میان مردم، افزایش اعتماد به نفس در مردم و دولتمردان و... که از دستاوردهای جنگ هشت ساله محسوب می‌شوند، از جمله سرمایه‌های اجتماعی بودند که در این دوران، نظام جمهوری اسلامی را در جغرافیای ایران تثبیت کردند.

هرچند در دهه دوم استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، بر برخی از سرمایه‌های اجتماعی تأکید شد. اما با فراموشی برخی دیگر و تکیه صرف بر رشد اقتصادی بدون توجه و دقت نظر بر مسئله عدالت اجتماعی و اقتصادی، تثبیت نظام مورد توجه کارگزاران حکومتی قرار گرفت. به رغم آنکه این دهه با شعار سازندگی و آبادانی کشور آغاز و گامهای مؤثری نیز در این زمینه برداشته شد، اما غفلت نسبت به برخی از سرمایه‌های اجتماعی، موضوع تثبیت نظام را با دشواریهای متعددی روبه‌رو کرد. کاهش مشارکت مردم در اداره کشور، فرعی شدن فعلیتهای سیاسی و اجتماعی نسبت به فعالیتهای اقتصادی، که رنگ شدن حضور برخی از افراد و جریانهای سیاسی، که در دهه نخست انقلاب مورد تأکید امام بودند و نقش مهمی در به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی داشتند، به ویژه کاهش مشارکت نیروهایی که در اداره جنگ موفق عمل کردند و عملاً در این دهه به سرمایه اجتماعی مؤثری تبدیل شده بودند، باعث شد تا موضوع تثبیت نظام به‌کندی پیش رود. در این دوران، برای تثبیت نظام به میزان مؤثری از تقویت و تحکیم مبانی و اصول انقلاب در دهه نخست، به ویژه کارآمدی نظام در حل بحران جنگ استفاده شد.

پس از این دوران، دولتمردان جدید با شعار توسعه سیاسی و اجتماعی، اداره کشور را در دست گرفتند و کوشیدند تا با تکیه بر سرمایه اجتماعی مشارکت مردم، ضعفهای تثبیت نظام را در دهه دوم جبران کنند. هرچند حضور پررنگ و گسترده مردم در انتخابات این دوره نشان داد که موفقیت‌های چشم‌گیری در راستای تثبیت نظام به دست آمده است، اما با توجه به اینکه این تلاشها نهادمند نشده و مشکلاتی نیز در این زمینه پدید آمده بود، تقویت و تثبیت نظام در این دوره نیز به صورت مطلوب پیش نرفت و باز هم به نتایج هشت سال دفاع مقدس کم توجهی شد. در این دوره، با توجه به تحولاتی همچون تهاجم امریکا به افغانستان و عراق، بروز برخی از بحرانهای داخلی و برخی از نارضایتیهای عمرمی، موضوع تثبیت نظام شکل جدی‌تری به خود گرفت. به همین دلیل، به نظر می‌رسد در این دوران، به سرمایه‌های اجتماعی توجه ویژه‌ای

میدول شود و از نمادهای پراختاری همچون توانمندی نظام در پاسخ به تجاوز کسترده عراق به کشور، حماسه‌های هشت سال دفاع مقدس و سبلمهای فرهنگی و تاریخی همچون شهیدان دفاع مقدس، به ویژه شهدایی همچون مصطفی جمران، حسن باقری، مهدی باقری، حسین خرازی، همت و... به عنوان سرمایه‌های اجتماعی انقلاب اسلامی، بهره‌های بیشتر و مناسب‌تری گرفته شود، اما متأسفانه، به دلایل گوناگون به این سرمایه‌های اجتماعی کمتر توجه شد.

در حال حاضر، که نظام جمهوری اسلامی دوران سرنوشت‌سازی را طی می‌کند و امریکا با نیروهای نظامی‌اش در مرزهای جنوبی، غربی و شرقی کشورمان صف‌آرایی کرده است، بهتر آنکه، مسئولان نظام به این‌گونه سرمایه‌های ملی بیشتر توجه و همستگی مردم کشورمان را از طریق این پشتوانه‌های ملی تقویت کنند. مقاومت و ایستادگی مردم ایران در مقابل ارتش مجهز عراق و ایستادگی رزمندگان اسلام در مقابل آنان برگهای زرینی از تاریخ کشورمان را تشکیل می‌دهند که با تکیه بر آنها می‌توان بر مشکلات داخلی و خارجی غلبه کرد. در این زمینه، مقام معظم رهبری بر بهره‌گیری از این سرمایه‌های اجتماعی تأکید خاصی دارند و همواره، به مسئولان نظام نیز این نکته را یادآور می‌شوند. ایشان در اوایل سال ۱۳۸۲ در این زمینه چنین فرمودند:

«محمد جهان‌آرا و دیگر جوانهای ما در مقابل نیروهای مهاجم عراقی، یک لشکر مجهز زرهی عراقی با یک تیپ نیروی مخصوص و با نود قبضه توپ که شب و روز روی خرمشهر می‌باریدسی و پنج روز مقاومت کردند. همان‌طور که روی بغداد موشک می‌زدند، خمپاره‌ها و توپهای سنگین در خرمشهر روی خانه‌های مردم مرنب می‌بارید، اما جوانان ما سی و پنج روز مقاومت کردند، بغداد سه روزه تسلیم شد! ملت ایران به این جوانان و رزمندگان فتخار کنید. بعد هم که می‌خواستند خرمشهر را تحویل بگیرند، دوباره سپاه و ارتش و بسیج با نیرویی به مراتب کمتر از نیروهای عراقی، رفتند و خرمشهر را محاصره کردند و حدود پانزده هزار اسیر در یکی دو روز ز عراقیها گرفتند. جنگ تحمیلی هشت ساله ما، داستان عبرت‌آموز عجیبی است. من نمی‌دانم چرا برخی از افراد در ارائه مسائل افتخارآمیز دوران جنگ، تحمیلی کوتاهی می‌کنند.»

بنابراین، شایسته است با بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی دوران جنگ هشت ساله و طرح مناسب و صحیحی از تاریخ این جنگ گامهای مؤثری در راستای تثبیت نظام و تقویت همبستگی ملی برداشته شود.